

و غم شروع قشنگی است

«و غم شروع قشنگی برای یک شعر است»^(۱)

راست می‌گوید، غم شروع بسیار زیبایی است. آرام خوابیده است. گاه گاهی چشمهایش را به زحمت باز می‌کند و کمی به اطراف نگاه می‌کند بیشتر سعی می‌کند که مقابلش را نگاه کند زیرا مقابل، راحت‌ترین مکان برای دیدن است و حتی توان این‌که چشمهایش را هم زیاد حرکت دهد ندارد. درد، سراسر وجودش را فرا گرفته اما با این حال، آرامش عجیبی در او جاری است و لبخند، یک لحظه از لبانش دور نمی‌شود. پای صحبت‌های گرم و زیبایش می‌نشینیم عجب زبانی و عجب قدرتی در صحبت کردن دارد و عجب زیبا دردهایش را تفسیر می‌کند از شب حرف می‌زند و از سکوت آن

«دوباره ممد من یک همیشه رؤیایی است

و شب بهانه خوبی برای تنهایی است»^(۲)

شب هم برای او بهانه خوبی است برای تنهایی. خودش می‌گوید و چه زیبا بیان می‌کند سکوت آرام شب را که گاه گاهی با صدای سرفه‌های خسته و دردآور او درهم می‌شکند. نگاهی به اطراف می‌کند همه خوابیده‌اند اما از نظر او این خواب ظاهری است همه به ظاهر می‌خوابند تا به او بگویند که راحت باش و سرفه‌هایت را در گلویت حبس نکن، راحت آن‌ها را فریاد بزن ما از صدای سرفه‌های آسمانی تو بیدار نمی‌شویم و بعد از آن باز سکوت همه جا را فرا می‌گیرد و بعد دوباره سرفه و باز سکوت. اگر چه سکوت هم فقط سکوت نیست بلکه با صدای آرام خس خس سینه خشکش درهم می‌آمیزد و فضا را می‌شکافد ولی به هر حال از نظر او این سکوت همراه با خس خس قابل تحمل‌تر است تا صدای آن سرفه‌های سنگین و دردآور، کم کم تک سرفه‌ها به سراغش می‌آیند صدای سرفه‌ها هر لحظه بیشتر و بیشتر می‌شود و درد آنها جان سوزتر، دستش را آرام تکان می‌دهد مثل این‌که به دنبال چیزی است در این تاریکی محض. با کمی سر و صدا اکسیژن را پیدا می‌کند، دستگاه را به سمت صورت می‌آورد و آرام شیر را باز می‌کند صدای قلقل آب داخل دستگاه دوباره سکوت را می‌شکند اما این بار به نحوی دیگر. این بار سکوت آن قدر خشن و دردآور شکسته نمی‌شود بلکه صدای آرام‌بخش آب، وجودش را نوازش می‌دهد آرام چشمهایش را روی هم می‌گذارد و درد را با تمام وجود در آغوش می‌کشد به سختی نفس می‌کشد و حتی دیگر دستگاه، این موجودی بی‌روح، هم نمی‌تواند به نفس کشیدن او کمک کند. صدای تیک تاک آرام ساعت در کنار گوشش سنگینی شب را دو چندان می‌کند چقدر ثانیه‌ها دیر می‌گذرند.

«سه عقربه که سه تا خنجرند بعد از تو»

کلوی ثانیه را می‌درند بعد از تو،^(۳)

□ ف. حجتی

پی‌نوشت‌ها
۱-۲. سعید محمّدی
۳- مهدی زارعی